

راهکارهای مقابله با جنگ نرم در نظام ولایی

محمدجواد نوروزی*

تأیید: ۹۸/۴/۵

دریافت: ۹۷/۷/۲۴

چکیده

جنگ نرم از مسائل مهم جمهوری اسلامی ایران، در یک دهه گذشته بشمار می‌رود. این پژوهش با طرح این پرسش اساسی که راهکارهای مقابله با جنگ نرم در نظام ولایی کدامند، این انگاره را مطرح می‌کند که با توجه به ابعاد نظام ولایی، می‌توان این راهکارها را در ساحت مشروعیت، بمثابه مبنای اندیشه‌ای نظام ولایی، در عرصه ساختار به عنوان ساز و کار اجرایی و سازمانی حاکمیت سیاسی، در حوزه رهبری به عنوان بعد مدیریتی حکومت اسلامی و در سپهر امت بر پایه بدنه اجتماعی دولت اسلامی نشان داد. این تحقیق بر اساس هدف، کاربردی توسعه‌ای است و از لحاظ روش، تاریخی - مقایسه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در جامعه اسلامی می‌توان از سه الگوی «نظام ولایی نبوی»، «نظام ولایی علوی» و «نظام ولایی مبتنی بر ولایت فقیه» ویژه عصر غیبت، سخن گفت و الگوهای انحرافی آن، که از طریق جنگ نرم متصور است، را می‌توان با مطالعه تطبیقی بر صدر اسلام در دو الگو برشمرد.

واژگان کلیدی

نظام ولایی، جنگ نرم، مشروعیت، حکومت اسلامی، ولایت فقیه

* دانش‌آموخته حوزه و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .:



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

مقدمه

نظام اسلامی در روند پیشرفت خود، مراحل مختلفی را طی کرده است و به تناسب هر موقعیت در مقابله با توطئه‌ها، گونه خاصی از دفاع ضرورت یافته است. جنگ نرم، بمثابه یکی از ابعاد برخورد دشمنان در عصر حاضر از نظر ماهیت، عملکرد و تأثیرگذاری، از پیچیدگی خاصی برخوردار است و مقابله با آن مقتضی تولید قدرت نرم است. انقلاب اسلامی با الهام از انقلاب نبوی در صدر اسلام، الهام‌بخش نظامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه است که در پژوهش پیش رو نظام ولایی خوانده می‌شود. ولایت فقیه در ظرف زمانی عصر غیبت، مبنای نظری حاکمیت دینی بشمار می‌رود. نظام ولایی با حاکمیت سیاسی جاهلی و سکولار، چالش اساسی دارد و آرمان گسترش توحید در عرصه گیتی را تعقیب می‌کند. تحقق این آرمان در عصر حاضر، حقد، کینه و بغض دشمنان اسلام را برانگیخته است و ناکامی آنان در رویارویی مستقیم موسوم به جنگ سخت، موجب تغییر تاکتیک و روی آوردن به جنگ نرم شده است. آنان در این فرآیند، ضمن بازتفسیر ماهیت نظام ولایی، در تلاش هستند مشروعیت، ساختار، رهبری و امت اسلامی را با ارائه الگوهای جایگزین، مورد تعرض و تهدید قرار دهند.

اهمیت و ضرورت پرداختن به جنگ نرم، از آن رو است که اهداف اهریمنی دشمنان مبنی بر استحاله، براندازی و بی‌ثباتی را مورد مذاقه قرار می‌دهد. در واقع جنگ نرم، فروپاشی از درون و براندازی نظام، بصورت خاموش و آرام است که تغییرات ناشی از آن بنیادی و تدریجی است. جنگ نرم، بمثابه تهدیدی نامتقارن، مبانی فکری نظام‌های سیاسی را مورد تهدید قرار می‌دهد و همین امر، لزوم پرداختن به جنگ نرم و راهبردهای مقابله با آن را توجیه می‌نماید که بر حسب مورد، مقابله با آن، یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای مورد تهاجم است.

این مقاله با هدف تحلیل و تبیین چیستی نظام ولایی می‌کوشد راهبردهای مواجهه با جنگ نرم را در چهار مؤلفه مشروعیت ساختار رهبری امت نظام ولایی

که هر یک ساحتی از ابعاد نظام ولایی را شکل می‌دهد ارائه نماید. به موازات این امر، اضلاع و گونه‌های نظام ولایی در گستره بدیل‌سازی را می‌توان در دو چارچوب شبه ولایی - شبه جاهلی و جاهلی ترسیم کرد.

مفاهیم

تحلیل و بررسی راهکارهای مواجهه با جنگ نرم در نظام ولایی مستلزم تبیین مفهومی واژگان پرکاربرد است.

نظام ولایی

نظام یا سیستم، مجموع عناصری است که دارای تعامل و ارتباط متقابل بوده و در راستای تأمین اهدافی مشخص سامان می‌یابند. یکی از نویسندگان معاصر در تعریف نظام معتقد است که: «یک نظام، عبارت از مجموعه معینی از متغیرها است که در یکدیگر مؤثرند» (مونت، اشترن و گایل، ۱۳۸۰، ص ۲۴) و کلیت واحدی را شکل می‌دهند. در روایات، نظام ولایی الگوی همبسته‌ای از اجزای مرتبط در جهت کلان مدیریت نظم یافتن امور امت و جامعه اسلامی معرفی شده است: «فرض الله الإیمان تطهیرا من الشُّرک و الصَّلَاة تنزیها عن الکبر و ... و الأمامة نظاما للأمة و الطاعة تعظیما للإمامة» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲). نظام ولایی در بردارنده عناصری بنیادی، راهبردی، ارزشی و ساختاری است. اهداف معین و مشخصی را تعقیب می‌کند و از نظر تاریخی در تجربه نظام دولت نبوی، علوی و ولایت فقیه ظهور و بروز یافته است.

قدرت نرم

قدرت توانایی نفوذ در رفتار دیگران بمنظور نیل به نتایج مطلوب است. «جوزف نای»، قدرت نرم را «توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران» تعریف کرده است (نای، ۱۳۹۰، ص ۲۷). «حمید مولانا» خود را پیشگام طرح مسأله جنگ نرم دانسته و قدرت را ملموس و غیر ملموس طبقه‌بندی می‌کند. وی در توضیح مدعی است قدرت نرم به باورها، اعتقادات و دین ملت یک کشور و فرد ربط دارد (مولانا، ۱۳۸۹، ص ۷۴). ایشان

در تبیین دیدگاهش مدعی است که «جوزف نای» با برجسته‌سازی جنبه ایدئولوژیکی و سیاستگذاری آمریکا در تحلیل قدرت نرم، دیگر جلوه‌های قدرت نرم از جمله اعتقادات، باورها، دین و دانش را متذکر نشده است؛ زیرا در این صورت می‌بایست دین اسلام را قدرتمند جلوه می‌داد (همان، ص ۷۵).

جنگ نرم در مقابل جنگ سخت **Hard Warfare**، بیانگر قدرت آشکار و ملموسی است که منابع آن اقتصاد، تکنولوژی، سیاست، محصولات فرهنگی و آموزشی و نیروی نظامی است و داشتن آنها، موجب تغییر در موقعیت کشور یا افراد می‌شود. جنگ نرم **Soft Warfare** چگونگی فتح ذهن‌ها، قلب‌ها و تغییر عواطف، تهییج عواطف و احساسات و اقناع است.^۱ جنگ نرم، هجمه فرهنگی با استفاده از برتری اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فن‌آوری، به مبانی اندیشه و رفتار یک ملت و تغییر الگوهای رفتاری، تحریف و احیاناً نفی و طرد آنها است، تا زمینه حاکمیت اندیشه، ارزش‌ها و رفتارهای مورد نظر خود را فراهم آورد. هدف جنگ نرم، تغییر باورها، جنگ هنجارشکنانه و ترویج نافرمانی‌های مدنی، تغییر ذائقه‌ها و شکاف فرهنگی بین نسلها و خدشه در مشروعیت نظام سیاسی است.

چارچوب نظری

نظام، گویای ارتباط اجزای مختلف در جهت نیل به اهداف مشخص است. بدین معنا که بخش‌های مختلف با هم مرتبط بوده و هر یک از اجزا بر دیگر مؤلفه‌های نظام اثر می‌گذارد و هر گونه دگرگونی یا تغییر در هریک از مؤلفه‌ها بر دیگر اجزای سیستم تأثیرگذار است. نظام ولایی از نظر تاریخی تحولاتی را طی کرده است. این امر را می‌توان حداقل در سه چارچوب نظام ولایی نبوی، علوی و ولایت فقیه ترسیم کرد. از نظام ولایی نیز می‌توان تبیین‌های متعددی ارائه کرد که نتیجه آن چارچوب پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

بنا بر اعتقاد برخی، نظام سیاسی را می‌توان به چهار عنصر اساسی تجزیه کرد:
۱. قدرت سیاسی که همان قدرت برتر و انحصاری و حاکم است و جوهره اصلی

هر نظام سیاسی را شکل می‌دهد و حقانی شدن آن در نگاه شهروندان مشروعیت نظام سیاسی را به دنبال دارد.

۲. نهادهای سیاسی - حکومتی که تجسم قدرت سیاسی است و نهادهایی چون تقنین، اجرا، داور، اداری (بوروکراسی) و نیروهای دفاعی امنیتی را شامل می‌شود.

۳. کارگزاران، افراد و شخصیت‌ها را شامل می‌شود که دارای مناصب سیاسی بوده و اعمال‌کننده قدرت بشمار می‌رود.

۴. آیین سیاسی که دربردارنده مجموعه ارزش‌ها، هنجارها و نمادها و سازنده عقاید و باورها می‌باشد (ابوالحسنی، ۱۳۸۶، ص ۲۸).

برخی دیگر در تحلیل نظام سیاسی، سه ویژگی باور، ساختار و رفتار را مورد تأکید قرار می‌دهند. بدین معنا که هدف جنگ نرم در تغییر نظام ولایی بر سه حیطة باور، ساختار و رفتار تمرکز دارد. بر مبنای این مفهوم، در هر نظام سیاسی، این ابعاد تحلیلی؛ یعنی باورها، ساختار و رفتار از اهمیت برخوردار هستند و ارزش‌های فرهنگی، ساختارهای اجتماعی - سیاسی و رفتارهای فردی، خاستگاه فعالیت‌ها و کنش افراد را شکل می‌دهند و هر یک از متغیرهای فرهنگی، ساختاری و رفتاری بر برداشت مخاطبان مختلف از باورهای سیاسی تأثیر می‌گذارند و متقابلاً باورهای فرهنگی، ساختارهای اجتماعی سیاسی، دیدگاه‌ها، انگیزه‌ها و برداشت‌های افراد در تصمیم‌گیری آنان برای مشارکت فعال‌تر نسبت به دیگران مؤثر هستند (ای.ا.پتر و اندی پین، ۱۳۸۰، ص ۳۶-۱۲).

«دیوید ساندرز»، سه بعد اساسی را برای هر نظام سیاسی پیشنهاد می‌کند که عبارتند از:

۱. مقامات سیاسی (تصمیم‌گیرندگان اصلی که سیاست‌ها را در مقطع زمانی خاص تعیین می‌کنند و به عبارت دیگر حکومت).

۲. رژیم (قواعد حقوق رسمی و غیر رسمی که حاکم بر حل مناقشات درون نظام است).

۳. جامعه سیاسی (آن بخش از نظام سیاسی که شامل اعضای است که بصورت گروهی از افراد بر پایه تقسیم کار سیاسی مرتبط است) (ساندرز، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱-۱۱۹).

در این پژوهش، مؤلفه‌های نظام ولایی در چهار محور رهبری، ساختار سیاسی، مردم (امت) و مشروعیت (ارزش‌ها، آرمان‌ها، اصول مبانی) سامان یافته است که تبیین هر محور آن، موضوع بررسی این پژوهش است و می‌توان ذیلاً چنین برشمرد:

۱. مشروعیت؛ قدرت سیاسی که همان قدرت برتر و انحصاری و حاکم است و جوهره اصلی هر نظام سیاسی را شکل می‌دهد و حقانی‌شدن آن، مشروعیت نظام سیاسی را به دنبال دارد.

۲. ساختار؛ نهادهای سیاسی - حکومتی که تجسم قدرت سیاسی است و نهادهایی چون تقنین، اجرا، داوری، اداری (بوروکراسی) و نیروهای دفاعی امنیتی را شامل می‌شود.

۳. رهبری؛ کارگزاران، افراد و شخصیت‌ها را شامل می‌شود که دارای مناصب سیاسی بوده و اعمال‌کننده قدرت بشمار می‌رود.

۴. امت؛ یا آن بخش از نظام سیاسی که شامل اعضای است که بصورت گروهی از افراد بر پایه تقسیم کار سیاسی مرتبط است.

یافته‌های تحقیق

هدف مباحثی که ذکر آن رفت، تحلیل مفهومی و چارچوب طرح مباحث بود. بر پایه آنچه ذکر شد، جنگ نرم در چهار محور که اضلاع نظام ولایی است، قابل طرح است.

مشروعیت

نظام ولایی اتکای به سخت افزار نظامی را تنها عامل پیروزی نمی‌داند و بر این باور است که آنچه قدرت سخت را رهبری می‌کند، اراده، ایمان و هدفی مقدس است. در نظام‌های سیاسی، مشروعیت بمتابه روح در کالبد بدن قلمداد می‌شود و با نبود آن، بطور طبیعی جامعه فاقد هویت شده افول خواهد کرد. مشروعیت با خلق یک شناسایی سیاسی مشترک، مرز خود و غیر خود را روشن سازد. خلق شناسایی مشترک، با ارزش‌های فرهنگی که از طریق جامعه‌پذیری سیاسی در جامعه نهادینه می‌گردد، سریان

و نهادینه می‌گردد و با پذیرش عمومی، کارآمدی یک نظام سیاسی توجیه‌پذیر می‌گردد (آندرین، ۱۳۵۱، ص ۷۹).

مشروعیت، اگر بر باورهای دینی استوار گردد، الزامات سیاسی خاصی را به دنبال دارد از جمله:

الف) پی‌ریزی تغییرات سیاسی بر پایه ارزش‌های دینی.

هویت و ارزش‌های دینی، نگرش‌هایی را نسبت به تحول اجتماعی سیاسی و فرصت‌هایی را برای تحقق‌بخشیدن به جامعه‌ای دیگرگون ایجاد می‌کند:

شریعت اسلامی بجای ایجاد تمایز بین فعالیت‌های غیر مذهبی و دنیوی، تمامی جنبه‌های زندگی را در برمی‌گیرد (اپتر و اندی پین، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷).

ب) تولید نوعی قدرت فرهنگی یا سرمایه نمادین که هدف‌های غایی و آرمان‌های اخلاقی را بیان و ارائه می‌کند.

ج) توجیه و نقد اعمال قدرت سیاسی، (مسأله مشروعیت) و رهبران دینی علاوه بر مشروعیت‌بخشیدن به کاربرد قدرت سیاسی، اغلب از ارزش‌های معنوی مقدس برای اعتراض به عملکرد ساختارهای ظالمانه، رفتار رهبران آن و خط مشی‌های نظام سلطه سود می‌برند.

د) نهادینه‌ساختن و تبدیل ارزش‌های کلی اخلاقی به خط مشی‌های حکومتی، آموزه‌های دینی، اهداف فرمانروایی سیاسی بویژه میزان تمرکز بر روی ارزش‌های اخلاقی معنوی و منافع مادی را مشخص می‌سازند.

ه) عامل شناسایی کشور توسط سایر دولت‌ها از لحاظ بین‌المللی است؛ مشروعیت موجب مرزبندی می‌شود. معنای مرزبندی آن است که شناسنامه یک ملت مشخص باشد. در نظام ولایی هویت‌بخشی بر مبنای ارزش‌های دینی مهمترین مسأله است. بر این اساس، هر نظام سیاسی با تولید قدرت نرم در زمینه هویت، دو کارکرد اصلی ایجابی و سلبی را تعقیب می‌کند. یعنی نظام ولایی حاوی یک نفی و اثبات است. به عنوان مثال، نظام جمهوری اسلامی یک «نفی» و یک «اثبات» با خود دارد و این نفی و اثبات که تعیین‌کننده مرزهای هویتی آن است، دلیل دشمنی

آمریکا و شبکه صهیونیستی دنیا است:

ما چه کسی هستیم، شما چه کسی هستید. من گمان می‌کنم سوره مبارکه «قل یا ایها الکافرون» همین مرزبندی را بیان می‌کند: «لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُونَ»؛ یعنی مرز مشخص باشد، مرز مخلوط نشود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

و) شکل‌دهی به رفتار افراد؛ ارزش‌ها از طریق گفت‌وگو سازی تعیین مطلوبیت برخی اهداف سیاسی و تعیین میزان دستیابی به آنها در رفتارها تأثیرگذار هستند. ارزش‌های تعمیم‌یافته عامل فرمانبرداری و یا نافرمانی سیاسی بشمار می‌روند. نظام‌های سیاسی برای حفظ قدرت و ثبات نظام سیاسی ایدئولوژی و دکرین‌های مذهبی خاصی را به اعضای جامعه منتقل می‌کنند و ادعا می‌کنند که نظام موجود برتر از هر نظام سیاسی دیگری ارزش‌های اخلاقی را محترم می‌شمارند، اگر مردمی این توجیحات را بپذیرند، از پیوستن به جریان‌های مخالف امتناع می‌ورزند. «نیکسون» انقلاب ایران را انقلابی علیه نوگرایی و ارزش‌های غربی می‌داند که همانقدر که از سرمایه‌داری تنفر داشت، از کمونیسم نیز متنفر بود و حمایت جوانان از آن برای آن بود که می‌خواستند به چیزی غیر از مادیگرایی معتقد باشند (نیکسون، ۱۳۷۴، ص ۳۳۹).

جنگ نرم و آماج مشروعیت

جنگ نرم؛ هرچند به حسب اصطلاح امر نوظهوری است، اما واقعیتی مستمر در گستره زندگی ابنای بشر است. بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و تأکید بر مبانی انسان‌شناختی و تقابل مداوم شیطان با انسان، یکی از رویکردهای مهم در تبیین جنگ نرم است.

آماج جنگ نرم در حوزه مشروعیت بر مشروعیت‌زدایی نظام سیاسی و بازسازی مشروعیت جدید تمرکز دارد و سعی در دستبرد به افکار عمومی و هدایت نرم افکار عمومی و همچنین با اغوا و تهییج افکار غالب در جامعه به سمت و سوی خاصی، خود را به اهداف ترسیم‌شده نزدیک می‌کند.

برخی از مهمترین اقدام‌های دشمن در جنگ نرم با نظام ولایی در ساحت مشروعیت‌زدایی عبارت‌اند از:

۱. تغییر باور

جنگ نرم با هدف همراه‌ساختن افکار عمومی با خواست دشمن، میدان معارضه ولایت الهی با ولایت طاغوتی است که فضا و بستر آن قلب و ذهن انسانها است.^۲ آماج مشروعیت، عملیات ادراکی^۳ و تغییر باورهای عمومی جامعه است. هدف عملیات ادراکی تأثیرگذاری بر نگرش‌ها، باورها، عقاید، اهداف و ارزش‌های طرف مقابل با هدف ایجاد تغییر در مخاطبان تا سرحد همسوسدن با اهداف دشمن است. در این اقدام، نگرش آنها را نسبت به مسائل اساسی مانند ایده حاکمیت تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرگاه باورهای جامعه‌ای تغییر یابد، بطور طبیعی ساختارها و رفتارها نیز به تبع آن تغییر می‌یابد.

«مقام معظم رهبری» این هدف دشمن برای تغییر باور را از سه طریق میسر می‌دانند: الف) تغییر باور از طریق گذشته: تلاش در موجه‌نشان‌دادن رژیم فاسد و پلید گذشته و نتیجه‌گیری اینکه لزومی به وقوع انقلاب اسلامی برای از بین بردن آن گذشته نبوده است.

ب) تغییر باور از طریق حال و آینده: القای این نکته به قشر جوان که وضع کنونی کشور مایه شرمندگی است و رسیدن به پیشرفت در آینده نیز غیر ممکن است تا نشاط و تحرک و علم‌آموزی و امید به آینده از او گرفته شود.

ج) تغییر باور از طریق تعبیر مدینه فاضله از غرب: دشمن چنین وانمود می‌کند که آمریکا، اروپا و کشورهای تابع آنان، نظامی پیشرفته، راحت، امن و بدون مشکل‌اند تا چنین القا کند راهی که غرب در پیش گرفته است، منتهی به پیشرفت و ثروت می‌شود.

۲. تغییر هویت

مشروعیت عامل همبستگی افراد یک جامعه است و «در هر نظام سیاسی، ضرورت حفظ ارزش‌های فرهنگی افراد و حتی پاک‌سازی جامعه از دشمنان آن ارزش‌ها، یک زمینه اصلی در نظام‌های سیاسی معاصر بشمار می‌رود (اپتر و اندی پین، ۱۳۸۰، ص ۳۶). چالش در مرزهای مشروعیتی یک ملت باعث تضعیف و

کاهش جاذبه‌های فرهنگی آن ملت می‌شود. چالش مشروعیتی در ایده، باور و یا فرهنگ تجسم می‌یابد و برای نظام ولایی در سطوح مختلف ضروری است با این چالش‌های ضد هویتی مقابله کند. معمولاً پس از استقرار نظام ولایی، دشمن با ارائه نظام سیاسی شبه ولایی، الگویی از ساختار التقاطی را در معرض دید افراد جامعه قرار می‌دهد و در صورت کامیابی در گام بلندتری الگوی مدینه غیر دینی و ضاله را ترسیم می‌کند.

«یوزف اچ. یروشلمی»^۴ اذعان می‌کند که تمام مشکلات ما ریشه در هویت ایرانیان دارد که بخش قابل توجهی از آن وابسته به باورهای مذهبی آنهاست. بنابراین، تلاش برای از بین بردن و حتی کمرنگ نمودن مظاهر اعتقادی اسلامی؛ مانند رعایت حجاب و... اولویت نخست عملیاتی ما است که در این مسیر به استفاده از تمامی ابزارهایی که در اختیار داریم، بویژه رسانه‌ها به شدت پایبندیم.

امروز استکبار جهانی، برای پیروزی بر جبهه مقاومت و نیروهای اسلام و انقلاب اسلامی چهار هدف راهبردی در دو حوزه داخلی و خارجی تعریف کرده است.

در حوزه داخلی: ۱. دورساختن مسئولان و نخبگان و عموم مردم از محتوای اسلامی و انقلابی (استحاله). ۲. بی‌ثبات‌سازی. ۳. براندازی و ۴. در بعد خارجی نیز هدف اصلی دشمن مهار و انزوای جهانی جمهوری اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۲۶).

۳. تشکیک در مبانی ایدئولوژیک نظام سیاسی (از نظر فکری و ارزشی)

جنگ نرم با نفوذ در اذهان، عواطف و احساسات است؛ فکر و ذهن را مهندسی و می‌کوشد میان دوست و دشمن ارتباط عاطفی ایجاد و حساسیت نسبت به دشمنان را کمرنگ و یا از بین ببرد و افراد با دشمن خود احساس دشمنی نکنند.^۵ تأکید بر تساهل، تسامح و پلورالیسم از سوی دشمن آن است که افراد یک جامعه دشمنی را احساس نکنند. جنگ نرم با هدف استحاله و بی‌اثرساختن خاصیت و اثر ضد استکباری نظام اسلامی می‌کوشد محتوا و سیرت نظام اسلامی را تغییر دهد. هدف این چالش

دورساختن انقلاب از محتوا و مضمون اسلامی و دینی آن و در یک کلام، تهی‌ساختن از روح انقلابی است.^۶ جنگ مذهب علیه مذهب، شبیه‌سازی در ساحت مذهب، الگوسازی و مشتبه‌ساختن الگو درست از نادرست هویت دینی را تخریب و هویت غیر دینی را جایگزین آن سازد.

۴. تخطئه احکام الهی

بازی با ایمان متدینان از طریق ارتداد، روشی است که دشمنان برای تخریب روحیه مؤمنان از آن بهره می‌گیرند.

۵. القای ناکارآمدی دولت و نظام سیاسی

۶. واگرایی نخبگان از نظام سیاسی و ناکارآمد نشان دادن مسئولان کشور هدف

۷. اعتمادزدایی بین مردم و نظام سیاسی و بدبین‌سازی شهروندان نسبت به حاکمیت

۸. تضعیف درجه اعتبار نظام سیاسی یا القای وجود تبعیض و نبود آزادی در کشور هدف

۹. القای عقب‌ماندگی کشور نسبت به دیگر کشورها - القای ناجی بودن کشور دشمن، بزرگ جلوه‌دادن قدرت دشمن

نتیجه اقدام‌های فوق، ایجاد هویتی التقاطی و یا بازتعریف هویت در قالب جاهلیت مدرن است. بر این اساس، سه چارچوب برای هویت نظام ولایی قابل تصور است که البته هریک را می‌توان تشکیکی و ذومراتب دید. بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان در نظام ولایی، مقوله جنگ نرم را با تحلیل وسوس شیطانی پی گرفت و راهبرد مقابله با آن را در چگونگی برخورد با شیطان و با الهام از آیات قرآن و سنت اهل بیت : به رشته تحریر در آورد. راهکارهایی چون شناخت دقیق جنگ نرم و تهاجم فرهنگی، شناسایی کامل و تعمیق فرهنگ و هویت اسلامی و ملی، بصیرت‌افزایی و توانمندسازی مردم بویژه خانواده‌ها و زمینه‌سازی مناسب اجرایی برای سبک زندگی اسلامی - ایرانی.

جدول شماره ۱. جنگ نرم در ساحت مشروعیت

الگو ابعاد	نظام ولایی	آماج	نتیجه تولید نظام شبه ولایی-شبه جاهلی	شکل گیری نظام جاهلیت مدرن
مشروعیت	دین اسلام	تغییر باور، هویت زدایی، تشکیک در مبانی ایدئولوژیک نظام سیاسی، تخطئه احکام، القای ناکارآمدی نظام سیاسی، واگرایی نخبگان از نظام سیاسی، اعتمادزدایی بین مردم و حاکمیت	التقاط (دین-سنت های جاهلی)	بازتعریف سنت های جاهلی به سبک مدرن

ساختار

مجموعه نهادها و مراکزی که قدرت سیاسی را در دست دارند و یک کلیت واحد را بوجود می آورند، ساختار سیاسی نامیده می شود. می توان دو نوع ساختار ساده و ساختار پیچیده تمایزگذاری شده، تخصصی و نهادینه که در جوامع مجهز به فرهنگ سیاسی مشارکتی شکل می گیرد را تفکیک کرد. قدرت سیاسی و شیوه استقرار آن، نهادها و سازمان های موجود در جامعه و زیر مجموعه های نظام سیاسی، عناصری هستند که می توانند ماهیت و نوع ساختار سیاسی را آشکار سازند (نقیب زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹-۱۶۵).

در نظام سیاسی، منظور از ساختار، مدل و شکل حکومت است. اهمیت ساختارهای سیاسی و حتی اجتماعی از آن رو است که تأثیرات متقابلی بر ارزش های فرهنگی و رفتار افراد بر جای می گذارند. افزون بر آن، رهبران سیاسی به کمک این ساختارها است که می توانند ارزش ها و هنجارهای خود را انتقال دهند. ساختارها در نظام ولایی برگرفته از ارزش های دینی است. چنانکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش به عمل آمد تا نظامی بر مبنای ارزش های اسلامی شکل گیرد.

ساختارهای عینیت یافته در نظام اسلامی، سلسله مراتبی و تشکیکی اند. مطلوب نهایی

و ایده آل، بالاترین مرتبه ارزش را دارد و اگر مطلوب ایده آل تحقق نیافت، وضعیت ارزشمند فروتری جایگزین می‌شود. ویژگی‌های ثابت ساختاری سیاسی در عصر غیبت عبارت‌اند از:

۱. ولایت فقیه در رأس ساختار است و این امر ثابت دین است. این از کتاب و سنت استفاده می‌شود.

۲. انجام وظایف حاکمیتی؛ مثل آموزش و پرورش و... یا قانونگذاری.

۳. ابتدای بر پایه عدالت‌محوری.

۴. اسلامی‌بودن یا ابتنا بر ضوابط و قوانین اسلام؛ (ضرورت حاکمیت قانون الهی).

۵. مردمی‌بودن یا ابتدای ساختار بر آرای عمومی.

بخش متغیر نظام ساختار نظام سیاسی متناظر به جنبه‌های شکلی و تجربه بشری است. «علامه طباطبایی» در باره جنبه متغیر نظام می‌نویسد:

در شریعت اسلام، دستوری مربوط به تعیین یکی از «انواع شکل حکومت» وارد نشده است و حقاً هم نباید وارد شود؛ زیرا شریعت تنها متضمن مواد ثابت دین است و طرز حکومت با تغییر و تبدل جامعه‌ها به حسب پیشرفت تمدن قابل تغییر است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹۳).

ابعاد متغیر نظام ولایی در عصر غیبت عبارت‌اند از:

۱. قوه مقننه و وجود پارلمان و این نکته که سیستم دو مجلسی یا یک مجلسی باشد.

۲. ارتباط قوا و مسأله تفکیک قوا.

۳. انتخابات.

۴. حزب.

۵. ریاستی یا پارلمانی‌بودن نظام سیاسی.

«حضرت امام خمینی 1» مسأله اصلی در مطلوبیت حکومت را ماهیت و محتوای آن دانسته و معتقد بودند شکل و ساختار حکومت تابع مقتضیات زمانی و مکانی است: «ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای

عمومی. شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین خواهد شد» (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۶۰).

بی تردید پاره‌ای از اشکال حکومت از جمله حکومت فردی، نظیر حکومت‌های سلطنتی و ولایتعهدی در اسلام مطرود است؛ زیرا این دو بر وراثت و سلطه کامل مبتنی است و بنیان آن بر زور و غلبه استوار است و به استبداد و فساد می‌انجامد. لذا با خواست اکثر مردم تعارض دارد: «اصل رژیم سلطنتی بی‌ربط است، رژیم سلطنتی رژیم کهنه ارتجاعی است، در وقت خودش هم بی‌ربط بوده است» (همان، ج ۷، ص ۱۳۸).

در ساختار، توجه به امور زیر ضروری است:

۱. سیاست در ساختار حکومتی اسلام، مدیریت کلان جامعه است. بر این اساس، حریم خصوصی در جامعه اسلامی امری به رسمیت شناخته شده است.

۲. سیاست تنها در درون ساختار سیاسی که مخل اختیار انسان نباشد، بطور مطلوب قابل اعمال است.

۳. الگوی حاکمیتی سیاسی تشکیکی و ذومراتب است و در صورت ناممکن بودن الگوی مطلوب، از باب ضرورت و انجام وظیفه و دفع افسد به فاسد در الگوهای نازل‌تر قابل تحقق و اجرا است.

۴. ساختارهایی چون الگوی حکومت، وسایل ارتباط جمعی، احزاب، گروه‌های سیاسی و تشکل‌ها برای رهبران الهی بمثابه ابزاری برای انتقال ارزش‌ها بشمار می‌روند. آماج جنگ نرم در ساختار نظام ولایی

جنگ نرم در صدد ایجاد تغییر در ساختار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی حکومت‌ها است؛ اگر چه همان اهداف جنگ سخت و نظامی دنبال می‌شود، اما از ابزار نرم و هوشمند استفاده می‌شود. علاوه بر آن نسبت به جنگ سخت، هزینه‌های بسیار ناچیزی را متقبل می‌شود. در جنگ نرم، دشمن با تحلیل ساختار زندگی سیاسی نکات زیر را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد:

اول: شناسایی نهادهای تأثیرگذار که تصمیمات مهم را در جامعه اتخاذ می‌کنند.

دوم: مؤسسات سياسى در عرصه‌هاى داخلى و بين‌المللى از چه طرعى به نظم دست مى‌يابند.

سوم: خرده‌ساختارهاى سياسى چگونه سياست‌هاى عمومى را شكل مى‌دهند تا به تحولات اجتماعى - اقتصادى در زمينه طبقه‌بندى اجتماعى نایل آيند.

نتيجه اقدام‌هاى فوق، ايجاد ساختارى التقاطى و يا بازتعريف ساختار در قالب جاهليت مدرن است. بر اين اساس، سه چارچوب براى ساختار نظام ولايى قابل تصور است كه البته هريك را مى‌توان تشكيكى و ذومراتب ديد.

جدول شماره ۲. جنگ نرم در ساحت ساختار نظام سياسى

الگو	نظام ولايى	آماج	نظام	نظام
ابعاد			جاهليت مدرن	شبه‌ولايى - شبه‌جاهلى
ساختار	مردم سالارى دينى	تخریب ساختار و الگوى حاکميتى اسلامى، کارآمد نشان دادن الگوى دموکراسى	مردم سالارى مدرن (لائيک)	مردم سالارى شبه‌ولايى - شبه‌جاهلى

رهبرى

فرآيند نفوذ در ديگران و برانگيختن آنها براى همكارى با يكديگر در جهت تحقق هدف‌هاى گروهى را «رهبرى» مى‌گويند. رهبرى همواره مى‌كوشد تا بقيه اعضاى گروه را با خود همراه نمايد.

نقش‌هاى اساسى رهبرى

۱. رهبرى نظام‌بخش جامعه؛ در اندیشه اسلامى امامت بمتابه نظام‌دهنده به امور امت است؛ بدین معنا كه این مركز به عنوان «ان محلى منها محل القطب من الرحى» (طبرسى، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۹۱). افراد جامعه را به هم پيوسته نگاه مى‌دارد. نظام امامت در پى آن است تا كاروان بشریت را تحت قاعده در آورد كه نتیجه آن شكل‌گيرى نظمی مبتنی بر ارزش‌هاى عادلانه و الهی است و از هرج و مرج پیش‌گيرى مى‌كند.

۲. سیاستگذاری و طراحی خط مشی‌های سیاسی؛ زندگی سیاسی و تدبیر سیاسی جامعه در درون یک نظام سیاسی جریان می‌یابد. اگر سیاست سلسله عملیات طرح و اجرای آن گروه از تصمیمات باشد که شامل تغییرات، حل اختلافات و برخوردها و هماهنگی‌ها و همکاری‌ها است (آندرین، ۱۳۵۱، ص ۲۷)، بدون تردید رهبری در آن نقش اساسی دارد. در تدبیر امور جامعه یا سیاستگذاری که شامل انتخاب رفتار و خط مشی‌ها است، مقوله مهمی به نام مصلحت مطرح است که در تعریف سیاست نیز درخور توجه است. یعنی می‌بایست میان سناریوهای مختلف حل مسائل و یا تدبیرهای گوناگون جهت اخذ تصمیم، یکی را برگزید، معیار تقدم یک تدبیر یا رفتار بر دیگر رفتارها تراحم ارزشها و معیارها و تقدم یافتن اهم بر مهم است که طبعاً در مقام سیاستگذاری، تنها کسی شایستگی تصمیم‌گیری دارد که با نظام ارزشی، اهداف و سطوح آن آشنایی عمیق داشته باشد.

۳. هدایت سرمایه‌ها؛ انسجام‌بخشی و حل مناقشه‌ها؛ امام محوری بودن و ضرورت برخورداری جامعه از امام در نظام سیاسی، امری بس مهم و خطیر است. تعیین امام در جامعه چون سکاندار هدایت مردم است، از اهمیتی فوق العاده برخوردار است.

سیاست نرم‌افزار مدیریت جامعه دینی است و امام معصوم در عصر حضور و ولی فقیه در عصر غیبت، تنها افراد شایسته برای عملی‌ساختن دین در تدبیر امر جامعه است. به هر روی، در اندیشه اسلامی، معیار تمایز امر سیاسی از فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیر آن به مداخلت آن در امر مدیریت جامعه بر می‌گردد.

۱. تبیین اهداف و اولویت‌ها: رهبران نقش منحصر به فردی در تحولات اجتماعی دارند. اندیشه‌ها و آرمان‌ها را تعیین می‌کنند تا در گرد آن حرکت نمایند، مردم به نوبه خود به پیشنهادهای آنها پاسخ می‌دهند (سلین، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱). «نای» رهبری را مؤلفه کلیدی قدرت نرم بشمار می‌آورد که توانایی شکل‌دادن اولویت‌های دیگران را دارا است. رهبران سیاسی با درک این مهم، قدرتی را که از جذبه نشأت می‌گیرد، بکار می‌گیرند. به این ترتیب، در حالی که رهبران در کشورهای اقتدارگرا و مدعی دموکراسی

از زور استفاده کنند و فرمان صادر می‌کنند، در اندیشه اسلامی رهبری عمدتاً هدایت‌محور و بر اساس کمک به آحاد جامعه اسلامی بر ترکیبی از تشویق و جذب تکیه می‌کند. بدین ترتیب قدرت نرم، رکن اصلی سیاست اسلامی است. اگر رهبری نماینده ارزش‌هایی باشد که دیگران می‌خواهند از آن ارزش‌ها پیروی کنند، مطیع کردن آنها هزینه کمتری برای او خواهد داشت.

۲. سائس جامعه اسلامی چون امام و هادی جامعه است، می‌بایست دارای شاخص‌هایی ویژه باشد که امر هدایت جامعه دچار اختلال نشود. از منظر قرآن کریم، برترین ویژگی‌های رفتاری کارگزاران که شاخص رهبری در حوزه رفتار و به تبع آن در کارگزاران بشمار می‌رود را می‌توان در سه بعد و محور اساسی زیر برشمرد:

۱. آگاهی به دین (فقاہت)؛ تعهد و تخصص؛ یکی از شاخص‌های حکومت و زمامداران حکومتی آگاهی، دانش، علم به قانون و کتاب الهی است (امام خمینی، ۱۳۹۷، ص ۵۸-۵۹).

انفتاح باب اجتهاد در مقررات و احکام حکومتی از ویژگی‌های فقه شیعه است. امام خمینی 1 در این مورد می‌فرماید:

در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظریات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف، ولو مخالف با یکدیگر، آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد، ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند... (همان، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۷).

به تعبیر امام خمینی 1 زمامدار بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد و دامنش به معاصی آلوده نباشد. «لَا يَنَالُ عَهْدُ الظَّالِمِينَ» (بقره (۲): ۱۲۴) خداوند تبارک و تعالی به جائر چنین اختیاری نمی‌دهد (امام خمینی، ۱۳۹۷، ص ۶۱). تفکیک ویژگی‌های عدالت‌محوری را می‌توان در محورهایی چون خداواری در سبک زندگی، شریعت‌گرایی، تقواگرایی، وحدت‌گرایی، جهاد، مبارزه، شهادت و ایثار، پرهیز از

دنیازدگی و فراموشی آرمان‌های اسلامی و ایمان و پابندی به هویت اسلامی و انقلابی برشمرد.

در حکومت مطلوب اسلامی، مهمترین وظیفه حکومت خدمت به جامعه است. ائمه و فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند (همان، ۷۱-۷۰). و نیز می‌فرماید: «اگر به من بگویند خدمتگزار بهتر از این است که بگویند رهبر، رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است، اسلام ما را موظف کرده است که خدمت کنیم» (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۱۲۶).

خدمت‌کردن رهبران در حکومت مطلوب یک وظیفه و تکلیف است، اما آیا هر ساختار حاکمیتی ظرفیت لازم برای وظیفه‌ای که اسلام به عنوان مکتب الهی، برای او تعیین نموده است، را دارا است؟ اگر اسلام اساس حکومت را خدمت و خدمتگزاری به مردم معرفی می‌کند، کدام ساختار با آن تناسب دارد و تشخیص مصالح عمومی بر عهده کیست؟ حکومت بر اساس مصالح عمومی شکل می‌گیرد و عمل بر اساس مصالح و وظیفه حاکم اسلامی است. بنابراین، تشخیص مصالح سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی جامعه؛ یعنی آنچه به مصلحت امت و جامعه اسلامی است، بر عهده حاکمان و رهبران است و حکم آنها در این موارد نافذ می‌باشد.

جنگ نرم یا چالش در ساختار نظام ولایی

اهداف جنگ نرم در حوزه رهبری را می‌توان در محورهای زیر برشمرد:

۱. ایجاد تردید در حقانیت رهبری از طریق تشکیک در مسأله ولایت فقیه و اتهام‌زنی در جهت شکستن قداست رهبری.
۲. تضعیف نهاد رهبری.

۳. تردید در مرجعیت (اقتدار) رهبری در مسائل حاکمیتی و مدیریتی.

نتیجه اقدام‌های فوق ایجاد رهبری التقاطی و یا بازتعریف رهبری در قالب جاهلیت مدرن است. بر این اساس، سه چارچوب برای رهبری نظام ولایی قابل تصور است که البته هریک را می‌توان تشکیکی و ذومراتب دید.

جدول شماره ۳. جنگ نرم در عرصه رهبری نظام سیاسی

الگو ابعاد	نظام ولایی	آماج	نظام شبه‌ولایی-شبه‌جاهلی	نظام جاهلیت مدرن
رهبری	پیامبر-امام معصوم-فقیه	ایجاد تردید در حقانیت رهبری از طریق تشکیک در مسأله ولایت فقیه و اتهام‌زنی در جهت شکستن قداست رهبری، تضعیف نهاد رهبری، تردید در مرجعیت (اقتدار) رهبری در مسائل حاکمیتی و مدیریتی	صحابه، روحانی‌نما- روشنفکری	روشنفکری لائیک

امت

مردم مدار مصلحت‌سنجی امام جامعه‌اند و شهروندان جامعه دارای دو نیاز اساسی مادی و معنوی هستند که مدار مدیریت حاکم اسلامی می‌بایست هر دو بعد را در سیاست لحاظ کند. سیاست با موضوعاتی که روی تمام جامعه اثر می‌گذارد، سر و کار دارد (آندرین، ۱۳۵۱، ص ۲۷) و در اندیشه سیاسی یک مسأله مهم تبیین چرایی اطاعت مردم از سیاست‌ها و قوانین است. در سیاست متعارف و سکولار در باره چرایی اطاعت مردم دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. به اعتقاد برخی:

۱. اگر سیاست را اعمال دولت فرض کنیم که در تعریف برخی نویسندگان غربی مورد توجه قرار گرفته است، ممکن است گفته شود ترس از مجازات، اطاعت را تضمین می‌کند؛ زیرا دولت دارای یک قدرت انحصاری اجبارآمیز است.
۲. دریافت پاداش‌ها و منافع واقعی موجب تضمین اطاعت می‌گردد.
۳. جلب رضایت و پرهیز از عدم رضایت آن گروه از افراد که در مقامات بالا هستند، موجب شده افراد تصمیمات الزامی دولت را پذیرا باشند.
۴. عادت به قراردادهای، آداب و رسوم باعث احترام و در نهایت پذیرش تصمیمات اتخاذشده از سوی مقامات شده است.

۵. احترام به قوانین و نه اشخاصی که دارای مقام سیاسی هستند، موجب شده گروهی از افراد بر اطاعت از قوانین توافق کنند.

۶. اصول اخلاقی و ندای وجدان، مبنای رفتار خاضعانه شده است. اما در فرهنگ اسلامی اعتقاد و پایبندی مسلمانان به توحید، ربوبیت تشریحی و ارزشهای الهی موجب تبعیت از قانون و رهبران سیاسی گردیده است.

مردمی بودن حکومت به معنای آن است که به لحاظ شکل‌گیری و ایجاد بر آرا و خواست مردم مبتنا یافته باشد و دارای مقبولیت مردمی باشد. همچنین از لحاظ ادامه و استمرار باید بر اعتماد مردم استوار گردد. ویژگی یک حکومت مطلوب پذیرش عمومی مردم در ایجاد و بقاست که در جریان انتخاب طبیعی مستقیم و یا غیر مستقیم (از طریق خبرگان منتخب مردم) جلوه‌گر می‌شود. همچنین پذیرش و مقبولیت مردمی در حوزه اهداف و عملکرد و مسؤولیت‌های حکومت است که از طریق نظارت عمومی، امر به معروف و نهی از منکر و... تحقق می‌یابد.

افزون بر تأکید آموزه‌های دینی، درک اهمیت و تأثیر روزافزون سیاست و حکومت در زندگی روزمره، موجب انگیزه‌مندی مردم مسلمان در امور سیاسی شده است. هر چند ورود به مسائل سیاسی همیشه و همواره با آفت‌ها و چالش‌هایی همراه بوده است که نباید از نظر دور داشت. مشارکت مردمی ناشی از کاربست معارف اسلامی در ساحت حاکمیت دینی است. حضور پر نشاط مردم در مقام عمل و تعهد به آموزه‌های سیاسی دین اسلام است و عاملی در جهت حضور به‌هنگام در عرصه‌های سیاسی بوده است. این مشارکت گسترده که در بحث پژوهش حاضر نشانگر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است، همواره با چالش جنگ نرم مواجه است؛ جنگ نرم در حقیقت بزرگترین آسیب مهم قدرت نرم یک نظام دینی است که دشمن از آن در جهت مانع‌تراشی در مقابل نظام اسلامی بهره می‌برد.

پیوند رهبری با مردم در امر حکومت، پیوندی عمیق، عاطفی و اعتقادی است و همین امر بود که باعث شد امام خمینی¹ بتواند یکی از نظام‌های سیاسی - مردمی را پایه‌ریزی و رهبری نماید. به‌علاوه در این نوع حکومت، برخلاف همه نظام‌های سیاسی

موجود جهان، مردم پس از تعیین رهبری و برگزاری انتخابات از خود سلب مسؤولیت نکرده و به خود وانهاده نمی‌شوند، بلکه حضور آنان در صحنه اداره جامعه اسلامی و مشارکت در سرنوشت نظام اسلامی، خود بمثابة یک تکلیف تضمین می‌گردد. حکومت اسلامی بر اساس عشق و اعتماد متقابل و دوجانبه مردم و رهبری صالح ایجاد می‌گردد: «رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلامی بزرگ، چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد و انسان را خدای ناخواسته به غرور و بزرگان‌اندیشی وادارد» (امام خمینی، ۱۳۶۷، ص ۴۳).

ایشان بر ضرورت آگاهی مردم و مشارکت آنان در حکومت و نظارت بر حکومت و همگامی آنها با حکومت تأکید می‌کند و این شیوه رفتار با حکومت را بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می‌داند: «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می‌باشد» (همان، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۷).

بر اساس این گفتار امام خمینی ۱، نقش مردم در یک حکومت مطلوب، شامل مواردی چون آگاهی، مشارکت، نظارت همگانی و انتخاب می‌شود.

بر همین اساس، مردم مهمترین پایگاه و تکیه‌گاه حکومت تلقی می‌شوند. پایگاهی که اگر نباشد یا فروریزد، حکومت از بین خواهد رفت. به تعبیری، یک قدرت بزرگ، وقتی پایگاهی ندارد، این قدرت نمی‌تواند بایستد (همان، ج ۷، ص ۷-۴).

مردمی بودن حکومت در سه بُعد ایجاد، استمرار و بقا قابل طرح است: حکومت بر اساس خواست مردم بنا می‌شود و اگر حکومتی بر مردم تحمیل گردد، آن حکومت اسلامی نیست و لذا مطلوب نخواهد بود:

ما بنای این را نداریم که یک تحمیلی بر ملت‌مان بکنیم. اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم، ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تعالی به ما حق نداده است. پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که به ملت‌مان چیزی را تحمیل کنیم (همان، ج ۱۰، ص ۱۸۱).

حکومت در بقا و استمرار نیز بر اساس نظر حضرت امام باید مبتنی بر مشارکت عمومی باشد و مردم از طریق نمایندگان خود در اداره امور جامعه نقش داشته باشند. آنها باید بر کارکرد زمامداران نظارت نمایند و انتقادات سازنده و پیشنهادات لازم را در جهت بهبود وضعیت حکومت و جامعه ارائه نمایند. امام می‌فرماید: «در این حکومت بطور قطع باید زمامداران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم‌گیریها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند، نمی‌توانند به تنهایی تصمیم بگیرند» (همان، ج ۲، ص ۲۱۲).

از دیدگاه حضرت امام، رجال سیاسی و حکومتی جامعه باید مردم را در نظر داشته باشند و توده مردم را در تصمیم‌گیریها و توزیع و تقسیم منابع و امکانات در نظر بگیرند و در مقابل مردم نیز باید ضمن حضور در صحنه‌های سیاسی جامعه و مشارکت در سرنوشت خود بر رفتار و عملکرد دولتمردان و مسؤولان امر نظارت داشته باشند.^۷ جنگ نرم یا چالش‌های در امت نظام ولایی

نتیجه اقدام‌های فوق، ایجاد امت با هویتی التقاطی و یا بازتعریف امت در قالب جاهلیت مدرن است. بر این اساس، سه چارچوب برای امت نظام ولایی قابل تصور است که البته هر یک را می‌توان تشکیکی و ذومراتب دید.

جدول شماره ۴. جنگ نرم در عرصه امت نظام سیاسی

الگو / ابعاد	نظام ولایی	آماج	نظام شبه‌ولایی - شبه‌جاهلی	نظام جاهلیت مدرن
امت	امت	جدایی میان مردم و رهبری تغییر ذائقه‌های مردم از حاکمیت دینی	شبه امت	کشور

جنگ نرم، سیاستی مزورانه از سوی دشمن در جهت دورساختن جامعه اسلامی از آرمان‌های اسلامی و جایگزینی ارزش‌های مادی بجای آن بود. دشمن با جنگ نرم، در صدد است، جامعه‌سازی بر اساس عزت واقعی که آبخشور آن وحی و آموزه‌های دینی است، را دور از دسترس نشان دهد و با حفظ ظاهر شاکله نظام اسلامی آن را از درون تهی سازد. بی تردید مقابله با جنگ نرم که به مراتب پیچیده‌تر از جنگ سخت است،

مستلزم مشارکت جدی آحاد جامعه اسلامی است. این مشارکت در جهت فهم و مواجهه فعال با جنگ نرم را می‌توان در محورهای زیر بررسی کرد:

۱. چالش غرب با دنیای اسلام همواره با سلطه‌جویی در دوسده اخیر همراه بوده است و تا به امروز سایه آن بر پیکره بسیاری از جوامع اسلامی همچنان سنگینی کرده و می‌کند. این امر، مستلزم حضور جدی، همراه با شناخت دشمن است. پس از پیروزی انقلاب، معارضة مستمر و چالش پردامنه با نظام سلطه به درازای انقلاب اسلامی ادامه یافته است. البته آشکال این معارضة، گوناگون بوده و به موازات عمقیابی و پیچیدگی رفتار دشمن در توطئه‌آفرینی بر علیه نظام اسلامی، اقدام جمهوری اسلامی هم پیچیده‌تر شده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲). یک تحلیلگر ارشد آمریکایی^۱ اهداف دشمنی غرب به رهبری آمریکا در قبال ایران را چنین تحلیل می‌کند: «آمریکا از تحریم ایران سه هدف عمده داشت: ۱. سرنگونی جمهوری اسلامی. ۲. تغییر در رفتار نظام و ۳. تضعیف توانایی حکومت ایران در دستیابی به اهداف خود» (خلیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴).

۲. دومین علت و مشوق پی‌گیری و روی‌آوری به مسائل سیاسی و مقابله با جنگ نرم، آموزه‌های دینی است. حضوری پر نشاط در ساحت حاکمیت دینی ناشی از کاربست معارف اسلامی در مقام عمل است. تعهد به آموزه‌های سیاسی دین اسلام «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۷۵، ص ۲۶۹)، موجب انگیزه پر نشاط ناشی از مشوق‌های دین اسلام در جامعه و محیط‌های علمی است و عاملی در جهت کسب معرفت و حضور به‌هنگام در عرصه‌های سیاسی است. امت اسلامی با تأمل در فراز و نشیب تاریخی و درنگ در تاریخ صدر اسلام و منازعات و اختلاف‌ها، پس از رحلت پیامبر اسلام آموخته است که غفلت از جنگ نرم که همواره مترصد انفعال، تغییر ماهیت هویتی و تاراج دستاوردهای نظام اسلامی است، تنها با بصیرت و هوشیاری امکان‌پذیر است. لذا گویی مسائل سیاسی همواره در اولویت جامعه اسلامی قرار داشته است و این امر نشان می‌دهد که پیشرفت، رکود و عقب‌ماندگی ملت‌ها ناشی از بصیرت یا غفلت‌های تاریخی است.

۳. دلیل دیگر اهمیت و تأثیر روزافزون سیاست و حکومت در زندگی روزمره ناشی از درک نقش‌آفرینی مشارکت مردم مسلمان و قشر جوان، دانشجو و تحصیل کرده در

امور سیاسی است. در ایران معاصر، اهمیت یافتن مسائل سیاسی که ناشی از بصیرت سیاسی ملت ایران بود، موجب شد با رهبری نظام ولایی و امامت، استبداد ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ایران سرنگون و مشارکت سیاسی و آگاهی‌های مردم ارتقا یابد. در عرصه سیاست خارجی، دستاورد حاکمیت نظام ولایی تحقق اصل نه شرقی، نه غربی، تحقیر نظام سلطه و آمریکا و حمایت از آزادیخواهان بوده است.

در حالی که نویسندگان غربی از صد سال پیش تا آستانه انقلاب اسلامی، مدعی پایان یافتن نقش‌آفرینی ادیان و حتی دین اسلام در ساحت زندگی بودند، پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات پس از آن نشان داد که دین، نقش روزافزونی در مناسبات اجتماعی داشته و دارد. این مسأله گویای یکی از رمز و رازهای عظمت انقلاب اسلامی است. «گیپ» از مستشرقان معاصر، تجدید حیات اسلام را ناشی از بذل مساعی در سازگاری و انطباق مجدد اسلام با مقتضیات زمان و دو عامل مبارزه‌جویی مربوط به داخل جهان اسلام و دیگر هجوم خطرات خارجی برمی‌شمرد (گیپ، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸).

اهتمام به سیاست در ذهن و عمل مسلمانان، بصیرت و هوشیاری سیاسی را در پی داشته است. این امر دشمنان نظام ولایی را به تأمل واداشته تا پس از تجربه ناموفق برخورد سخت در ابعاد گوناگون، جنگ نرم را در دستور کار خود قرار دهند. مواجهه جنگ نرم، اختصاصی به عصر حاضر ندارد، بلکه نظام ولایی چه در عصر نبوی، یا علوی و یا در عصر غیبت، همواره با این پدیده مواجه بوده است.

رهبران دینی بر پرخطر بودن این رویارویی در مقایسه با چالش سخت‌افزارانه تأکید کرده‌اند. نظام ولایی در عصر غیبت کوشیده است با توجه به تجربه تاریخی، واکنش درخوری در قبال این کینه‌توزی و دشمنی‌ها ارائه دهد.

نتیجه‌گیری

می‌توان نتیجه گرفت که جنگ نرم؛ هرچند اصطلاحی نو در دانش سیاسی است، اما از نظر محتوا و مصداق همواره در زندگی انبای بشر مطرح بوده است. اما در بحث مورد نظر ما، سابقه تاریخی آن به تکوین نظام ولایی در عهد پیامبر باز می‌گردد. جنگ

نرم، مخربترین رهاورد بشر معاصر در مواجهه با جریان حق است؛ بدین معنا که غرب با آزمون گونه‌های مختلف رویارویی و ناکامی در آنها دریافته که قدرت نرم نظام ولایی بسی برتر و بالاتر از آن است که چالش‌های سخت از میدان بیرون رود. ازاین‌رو، کارزار متناسب با قدرت نرم که همواره بر شعار پیروزی خون بر شمشیر تأکید داشته جنگ نرم است. البته لازمه توفیق در این میدان نیز غنای فکری و کالاهای متنوع فرهنگی است که البته غرب از آنها بی بهره است، اما می‌کوشد به مدد رسانه‌های پر زرق و برق خویش آن را موجه و در خور نشان دهد.

جدول شماره ۵. جنگ نرم در ابعاد نظام سیاسی

الگو ابعاد	نظام ولایی	آماج	نظام شبه‌ولایی-شبه‌جاهلی	نظام جاهلیت مدرن
مشروعیت	دین اسلام	تغییر باور، هویت‌زدایی، تشکیک در مبانی ایدئولوژیک نظام سیاسی، تخطئه احکام، القای ناکارآمدی نظام سیاسی، واگرایی نخبگان از نظام سیاسی، اعتمادزدایی بین مردم و حاکمیت	التقاط (دین-سنت‌های جاهلی)	باز تعریف سنت‌های جاهلی به سبک مدرن
ساختار	مردم سالاری دینی	تخریب ساختار و الگوی حاکمیتی اسلامی، کارآمد نشان دادن الگوی دموکراسی	مردم سالاری شبه‌ولایی-شبه‌جاهلی	مردم سالاری مدرن (لائیک)
رهبری	پیامبر-امام معصوم-فقیه	ایجاد تردید در حقانیت رهبری از طریق تشکیک در مسئله ولایت فقیه و اتهام‌زنی در جهت شکستن قداست رهبری، تضعیف نهاد رهبری، تردید در مرجعیت (اقتدار) رهبری در مسائل حاکمیتی و مدیریتی	صحابه، روحانی‌نما- روشنفکری	روشنفکری لائیک
امت	امت	جدایی میان مردم و رهبری تغییر ذائقه‌های مردم از حاکمیت دینی	شبه امت	کشور

بخشی از نظام ولایی، آموزه مشروعیت است که ریشه در پیش‌فرض‌ها و مسائل بنیادین نظام سیاسی دارد و در مقام ارزش‌گذاری، اولویت نخست را در جدول عناصر نظام سیاسی به خود اختصاص می‌دهد. نظام سیاسی در جهت رشد طبیعی آن و در جهت آرمانها و اهداف کلان، می‌تواند از سوی دشمنان، بالقوه به سمت شبه‌اهداف تغییر مسیر داده و با حفظ ظواهر، اما تغییر سیرت به رشدی شبه طبیعی و شکل‌دهی به الگویی از نظام شبه ولایی به عنوان گذار در جهت نظام غیر ولایی حرکت کند؛ این شبیه‌سازی در تمامی ابعاد و مؤلفه‌های چهارگانه امکان تحقق دارد. از این رو، در مقام شناخت جنگ نرم دشمن، می‌بایست با توسل به شاخص‌هایی که در قرآن کریم و روایات بطور کلی در آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته است، از چنین فرآیندی پیش‌گیری کرد.

در هر نظام ولایی همواره افرادی به ظاهر ولایی، اما در باطن غیر ولایی در درون نظام سیاسی مترصد فرصت‌اند. هم‌افزایی نیروها با قدرت‌ها و دشمنان نیروی نظام می‌تواند بالقوه زمینه‌های انحراف و افول نظام ولایی را فراهم سازد. تغییر نظام ولایی به نظامی غیر ولایی، بدون واسطه‌شدن نظام شبه ولایی کمتر قابل تصور است؛ چرا که در مسیر رشد طبیعی جامعه، نخست ذائقه‌ها در نظام شبه ولایی تغییر می‌یابد، سپس در فرصتی مناسب نظامی غیر دینی و ضد دینی ظهور و بروز پیدا می‌کند. بدون دولت، گذار دولت غیر دینی جنبه کودتایی داشته و معمولاً اقبال عمومی را به همراه ندارد و با دیکتاتوری مسلط می‌شود.

یادداشت‌ها

۱. برخی جنگ نرم را استفاده طراح‌ی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود، می‌دانند (جان ام کالینز، *استراتژی بزرگ*، ص ۴۸۷).
۲. «در حال حاضر، یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و فنون و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیل راه افتاده تا با ما بجنگند. جنگ هم جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم در آنجا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم بگونه‌ای است که تا به خود بیاییم، گرفتار شده‌ایم» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۷).

3. Perception Warfare.

۴. Yosef H. Yerushalmi، مدیر مرکز مطالعات اسرائیل و یهود دانشگاه کلمبیا.
۵. «هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند، از راه اسلام منصرف کند» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۲/۱۵).
۶. «غرب روی منطقه خاورمیانه برنامه داشت» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۳/۲۹).
۷. «اگر مردم بخواهند جمهوری اسلامی را حفظ کنند، باید مواظب باشند که رئیس جمهور و وزرا نمایندگان مجلس انحراف پیدا نکنند، از حیث قدرت‌طلبی و مال‌طلبی، اگر رئیس جمهوری بخواهد قدرتمندی نشان دهد، آن روز بدانند علامت این است که شکست بخوریم. لذا خود مردم باید جلوشان را بگیرند» (سیدروح‌الله خمینی، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۲).
۸. پاتریک کلاوسون: Patric clowson.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آندریس، چارلز اف، *زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی*، ترجمه مهدی تقوی، تهران: مؤسسه عالی سیاسی و امور حزبی، ۱۳۵۱.
۴. ابوالحسنی، سید رحیم، *تحدید رفتار دولت*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
۵. امام خمینی، سیدروح‌الله، *صحیفه نور* (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، ج ۲، ۷، ۱۰، ۱۶ و ۱۸، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷.
۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۷.
۷. اپتر، دیوید ای و اندی پین، *چارلز، اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی*، ترجمه محمد رضا سعید آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
۸. پالمرونتی، لاری اشترن و چارلز گایل، *نگرشی جدید به علم سیاست*، تهران: دفتر مطالعات وزارت خارجه، ۱۳۸۰.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، *بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲*.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، *بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری*، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.

۱۱. خلیلی اسدالله، روابط ایران و آمریکا: بررسی دیدگاه‌های نخبگان آمریکایی، تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۱.
۱۲. ساندرز، دیوید، *الگوهای بی ثباتی سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴.
۱۳. سلین، اریک، «انقلاب در جهان واقعی: بازنگری کارگزاری»، *جان فورن نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نی، ۱۳۹۰.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمد حسین، *بررسیهای اسلامی*، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۵. طبرسی احمد بن علی، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، ج ۱، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۶. کالینز، جان ام، *استراتژی بزرگ*، ترجمه کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات وزارت خارجه، ۱۳۷۰.
۱۷. گیپ، همیلتون، *اسلام بررسی تاریخی*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، ج ۷۵، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۱۹. مولانا، حمید، «واژه قدرت نرم از کجا پیدا شد»، *ولایت فقیه محور حاکمیت اسلام (مجموعه مقالات همایش یازدهم)*، قم: وثوق، ۱۳۸۹.
۲۰. نای، جوزف، *آینده قدرت نرم در سیاست خارجی ایالات متحده*، قدرت نرم در سیاست خارجی ایالات متحده، ویراستاران: ایندرجیت پارمار و مایکل کاکس، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
۲۱. نقیب‌زاده، احمد، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۲۲. نیکسون ریچارد، *پیروزی بدون جنگ*، ۱۹۹۹، فریدون دولتشاهی، ناشر اطلاعات، ۱۳۷۴.